

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جو آلن
برگردان از: نیکوپوروزان
۱۷ اکتوبر ۲۰۱۶

ویتنام:

جنگی که ایالات متحده در آن به زانو درآمد

۳

جنگ و انقلاب

ما دولتی سازمان یافته داریم که آماده به دست گرفتن قدرت است. دولتمردان شما سخنرانی‌های غرا در باب کمک به آن‌هایی می‌کنند که به دنبال حق تعیین سرنوشت خویش‌اند. ما نیز به دنبال کسب حق تعیین سرنوشت خویشیم. چرا به ما کمک نمی‌کنید؟ آیا من تفاوتی با نهرو، کی زون^۱ – و یا حتا با جورج واشنگتن شما – دارم؟

هو چی مین خطاب به یکی از مأمورین امریکائی O.S.S. در تابستان ۱۹۴۵^۲

از نظر اکثر اروپائی‌ها و امریکائی‌ها جنگ جهانی دوم با اشغال پولند به دست المان‌ها در ۱۹۳۹ و یا با حمله جاپانی‌ها به پرل هاربر^۳ در دسامبر ۱۹۴۱ آغاز شد. برای مردم آسیای شرقی، اما، این جنگ با مداخله جاپان در چین در سال ۱۹۳۱ شروع شد. در حالی که جاپان ثابت کرد که در سرکوبگری مردم آسیای شرقی هیچ دست کمی از همپالکی‌های اروپائی و امریکائی‌اش در اعمال شقاوت و بی‌رحمی ندارد، پیروزی‌های خیره‌کننده نظامی‌اش در نهایت پایه‌های امپراتوری‌های استعماری کهن را ویران ساخت.

این نکته را باید به خاطر سپرد که در هنگام شروع جنگ تمامی کشورهای آسیای شرقی به استثنای جاپان، مستعمره و یا نیمه-مستعمره بودند که زیر حاکمیت یکی از قدرت‌های استعماری قرار داشتند. در حالی که بریتانیا سلطه رسمی‌اش در این منطقه را حفظ نموده بود، اما این حاکمیت بلامنازع از سوی ایالات متحده و جاپان زیر سؤال برده می‌شد. پس از بمباران پرل هاربر، جاپان تهاجم وسیعی را در بخش اعظم آسیای جنوب شرقی آغاز نمود و توانست که در مدت تنها چند هفته حاکمیت استعماری دویست ساله بریتانیا را در این منطقه جاروب کند. البته جاپان تلاش نمود تا نیت سلطه طلبانه‌اش را زیر شعارهای داغی مانند "آسیا برای آسیائی‌ها" و با مطرح ساختن به اصطلاح "منطقه هم-

^۱ Manuel Luis Quezon y Molina دومین رئیس جمهور بازار مشترک فیلیپین بین سال‌های ۱۹۳۵ و ۱۹۴۴.

^۲ Quoted in Lloyd C. Gardner, *Approaching Vietnam: From WWII through Dienbienphu* (New York: W. W. Norton, 1988), p. 62.

^۳ Pearl Harbor

شکوفائی در آسیای شرقی" پنهان سازد. این تحولات خیره کننده، به رغم وعده‌های سرخرمن آزادی از سوی جاپانی‌ها، در هیچ کجا به اندازه ویتنام عمیقاً احساس نشد.⁴

هیتلر در ماه می ۱۹۴۰ به فرانسه حمله کرد. دولت فرانسه در ظرف یک ماه تسلیم شد و یک دولت عروسکی به سرکرده‌گی مارشال فیلیپ پتین⁵ در ویشی⁶ بر سر کار گذاشته شد. استعمارگران فرانسوی در ویتنام پس از سرنگونی دولت فرانسه دچار سردرگمی شده و نمی‌دانستند که چه باید بکنند. ژان دکو⁷، فرماندار کل ویتنام، پس از درگیری‌های کوچکی با نیروهای جاپانی، هندوچین را به جاپانی‌ها تسلیم کرد. بدین ترتیب جاپان به طور نامحدود به تمامی بندرهای ویتنام دسترسی یافته و نیروهایش را در آن کشور مستقر ساخت. اما، جاپان اداره امور را کماکان در دست فرانسوی‌ها باقی گذاشت. با توجه به این که جاپانی‌ها مقامات استعماری هالندی، بریتانیایی، و امریکایی را پس از اشغال مستعمراتشان به زندان می‌افکندند، این یک مورد استثنائی بود. فرانسوی‌ها دقیقاً همان گونه که با هیتلر در فرانسه مشغول همکاری بودند، با جاپانی‌ها نیز در هندوچین نرد عشق می‌ریختند. حال، ویتنام دو ارباب داشت، جاپانی‌ها و فرانسوی‌ها، که هر دو مصمم بودند که هر گونه مخالفتی را در هم بشکنند.

پس از سی سال دوری، هو چی مین در سال ۱۹۴۱ به ویتنام بازگشت تا رهبری مبارزه علیه فرانسوی‌ها و جاپانی‌ها را مستقیماً به دست بگیرد. حزب کمونیست هندوچین خود را به نفع یک "جبهه وسیع ملی که نه تنها کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی و بورژوازی را متحد می‌ساخت، بلکه تعدادی از زمین‌داران میهن پرست را نیز در زیر چتر خویش جای می‌داد" منحل ساخت. لیگ استقلال ویتنام که به ویت مین⁸ شناخته می‌شد، "سرنگون ساختن فاشیست‌های جاپانی و امپریالیست‌های فرانسوی" و برپایی "دولت انقلابی جمهوری دموکراتیک ویتنام" را هدف خویش قرار داد.⁹ پی آمد این تحول سه سال جنگ چریکی بود.

حوادث مهم دیگری در سال ۱۹۴۱ سیر تحولات در ویتنام را تحت تأثیر قرار داد. پس از دست اندازی المان در روسیه و حمله جاپانی‌ها به پرل هاربر، بازیکنان اصلی صحنه جنگ به طور دراماتیکی تغییر نمود. به منظور مبارزه علیه نیروهای محور، "اتحاد بزرگی میان چهار دموکراسی کبیر" - بریتانیا، چین، اتحاد شوروی، و ایالات متحده - ایجاد شد. این اتحاد به این معنا بود که ایالات متحده به منظور خنثی ساختن نفوذ جاپان در اقیانوس آرام می‌بایستی که مقاصد امپریالیستی‌اش را زیر نقاب ضد-استعمارگرایی پنهان سازد. ایالات متحده می‌گفت که حق ملل در خود-گردانی که در منشور آتلانتیک مورد توافق قرار گرفته بود تنها مختص اروپا نبوده بلکه باید در سراسر جهان پیاده شود. هم زمان، اتحاد شوروی از اعضای کمینترن می‌خواست که از متحدین در جنگ "ضد فاشیستی" حمایت کنند. معنای این چرخش این بود که به ناگاه ویت مین در اتحاد عملی، اگر چه کوچک اما مهم، با ایالات متحده در جنگ علیه جاپان وارد شده بود.¹⁰

⁴ برای مطالعه عمیق‌تر برخورد میان امپریالیسم ایالات متحده و جاپان رجوع شود به:

Walter LeFeber, *The Clash: US-Japanese Relations Throughout History* (New York: W.W, Norton & Co., 1997).

برای درک اختلاف میان بریتانیایی‌ها و امریکایی‌ها و هم چنین اهداف این دو کشور در خلال جنگ در اقیانوس آرام رجوع شود به Christopher Thorne, *Allies of a Kind: The United States, Britain and the War against Japan, 1941-1945* (Oxford: Oxford University Press, 1978).

⁵ Marshal Philippe Petain

⁶ Vichy

⁷ Jean Decoux

⁸ Vietnam

⁹ Gibson, p. 42.

¹⁰ برای بررسی سیاست‌های ستالین و کمینترن در دوران جنگ نگاه شود به:

به رغم تلاش مشترک فرانسوی‌ها و جاپانی‌ها برای نابود ساختن **ویت مین**، محبوبیت تشکیلات در سراسر کشور گسترش یافت. زمانی که کشور در اشغال جاپان بود قحطی بخشی از کشور را فرا گرفت که کاملاً قابل پیش‌گیری بود. اما، فرانسوی‌ها و جاپانی‌ها با جلوگیری از فرستادن برنج و کمک‌های دیگر به مناطق قحطی زده باعث گسترش ابعاد این قحطی شدند. اما، **ویت مین** دهقان‌ها و اهالی شهرها را برای حمله به انبارهای برنج و مصادره مواد غذایی سازماندهی نمود که باعث شهرت بیشترشان در سراسر کشور گردید. با این وجود، نزدیک به دو میلیون نفر از سکنه تونکن، که از مهم‌ترین مراکز مقاومت **ویت مین** بود، بر اثر قحطی جان باختند. این یکی از بارزترین نسل‌کشی‌های استعماری در قرن بیستم بود.

دولت **ویشی** در جولای ۱۹۴۴ و با ورود نیروهای متحدین به پاریس سرنگون شد. هشت ماه پس از آن جاپانی‌ها به طور یک جانبه به حاکمیت فرانسوی‌ها در هندوچین خاتمه دادند. جنگ به شکلی تعیین‌کننده به ضرر نیروهای محور چرخیده بود و زمان چندی به شکست کامل متفقین نمانده بود. در این حال بود که جاپانی‌ها در تلاشی مذبحانه و جهت کسب حمایت مردم اعلام "استقلال ویتنام" را صادر کرده و امپراتور **پاو دای**^{۱۱} را در رأس آن نشاندهند. دقیقاً در این هنگام بود که اولین سری از مأمورین *اداره خدمات ستراتژیک امریکا*^{۱۲} وارد ویتنام شدند. مأموریت این افراد دادن آموزش‌های نظامی به **ویت مین** بود، که در ازای آن **ویت مین** موافقت کرده بود که در یافتن خلبان‌های متحدین که هواپیمای‌شان در ویتنام سرنگون شده بود به آن‌ها یاری رسانند. بسیاری از این مأمورین به همدردی با مبارزه ویتنامی‌ها برای استقلال پرداخته و نسبت به فرانسوی‌ها و استعمار کینه عمیق نشان می‌دادند.

ویت مین به سرعت سعی نمود که تا از اوضاع به شدت متغیر موجود بیشترین استفاده را ببرد. **مریلین یانگ** در این باره می‌نویسد:

در طی پنج ماه میان‌پرده ای که بین کودتای جاپانی‌ها و پایان جنگ اقیانوس آرام وجود داشت، پایگاه **ویت مین** در **کااو بنگ** گسترش یافته و شش استان شمالی ویتنام را در بر گرفت. در این "منطقه آزاد" دولت‌های محلی کاملاً نو جای دست‌نشانده‌های استعماری را گرفته، نیروهای دفاع از خود تشکیل گردید، مالیات‌ها ملغی گشته، کرایه خانه کاهش یافته و در برخی مناطق زمین‌های متعلق به زمین‌داران فرانسوی مصادره و تقسیم شد. بالاتر از همه این‌ها، **ویت مین** با باز کردن انبارهای غله و تقسیم برنج بین اهالی باعث کاهش تأثیر قحطی در این منطقه گردید.^{۱۳}

انقلاب اگست در سیزدهم اگست ۱۹۴۵ با فرمان **ویت مین** به بازوی نظامی‌اش و فراخوان به خلق ویتنام برای قیام عمومی همزمان شروع شد. **ویت مین** اداره تمامی دهات، نواحی و بیست و هفت استان را بین روزهای ۱۴ تا ۱۸ اگست به دست گرفت. فتح شهرهای بزرگ مانند هانوی، هوئی^{۱۴}، و سایگون چند روزی به درازا کشید، اما، روی هم رفته انقلاب بدون خونریزی بود. **پاو دای**، امپراتور دست‌نشانده استعمار جاپان در سی‌ام اگست از مقامش کناره گرفت. "ترجیح می‌دهم که به جای سلطان سرزمینی در زنجیر، شهروند ساده کشوری مستقل باشم."^{۱۵} وی سپس مهر

Hallas, the Comintern, pp. 155-159.

¹¹ Bao Dai

¹² از اسناد اطلاعاتی امریکا (American Office of Strategic Services – O.S.S.) که سلف بلافصل سازمان سیا بود.

¹³ Quote in Marilyn Young, *The Vietnam Wars* (New York: Harper Perennial, 1991), p. 9. For a Complete account of the O.S.S.'s relationship with the Vietminh, see Archimedes Patti, *Why Vietnam?: Prelude to America's Albatross* (Berkeley: University of California Press, 1980).

¹⁴ Hue

¹⁵ Ngo, p. 17. For the complete text of Bao Dai's abdication speech, see Vietnam and America, pp. 24-25

طلائی و شمشیری را که سمبل قدرت سلطنتی بود به نمایندگان دولت موقت ویت مین سپرده و الغای رژیم سلطنتی را اعلام نمود.

هو چی مین در دوم سپتمبر در هانوی و در مقابل بیش از دویست هزار تن، از جمله مأمورین O.S.S، استقلال ویتنام و تشکیل دولت موقت جمهوری دموکراتیک ویتنام را اعلام کرد. ویتنام اولین مستعمره‌ای بود که پس از پایان جنگ اعلام استقلال می‌نمود. جملات آغازین سخنرانی‌اش بازگزاره‌ای از اعلامیه استقلال امریکا بود – "تمام انسان‌ها مساوی آفریده شده‌اند. آن‌ها از سوی آفریدگارشان از موهبت حقوقی جدانپذیر برخوردارند. حق حیات، آزادی، و جست‌وجوی خوشبختی از جمله این حقوق است." هو بیش از آن که بخواهد در بزرگداشت انقلاب امریکا سخن بگوید، در این امید بود که شاید بتواند به امریکا برای پیش‌گیری از بازگشت فرانسوی‌ها تکیه کند. فراتر این که، امریکائی‌ها در نظر ویتنامی‌ها در زمره متحدین وفادار در جنگ بودند، در حالی که فرانسوی‌ها با جاپانی‌ها همکاری کرده بودند. چه کسی می‌توانست ساز امریکا را بهتر کوک کند؟¹⁶

اگر قضیه در همان جا خاتمه یافته و ایالات متحده استقلال ویتنام را به رسمیت شناخته بود، آن وقت پنجاه و هشت هزار امریکائی و سه میلیون ویتنامی در طی دو جنگی که از راه رسید جان‌شان را از دست نمی‌دادند.

ادامه دارد

¹⁶ Ho Chi Minh, "Vietnam Declaration of Independence," in *Vietnam and America*, pp. 26-28. For a complete overview of that momentous year in Vietnam's history, see David Marr, *Vietnam 1945: the Quest for Power* (Berkeley: University of California Press, 1995).